

Research Article

The Grounds and Basis of the Seditious of the Children of Israel from the Perspective of the Quran and Hadith

Abbas Ali Ali Mohammadi¹, Mehdi Afchangi^{2*}, Seyyed Reza Mousavi²,
Aristotle Mirani²

Abstract

Sedition is the most destructive social phenomenon in human societies. The origin of the dusty atmosphere of sedition is the beliefs, tendencies and wrong actions of the seditionists and its fruit is corruption, ruin, misguidance and downfall. The aim of the present study is to explain the grounds and bases of the sedition of the Children of Israel from the perspective of the Quran and narrations. The reason for the sedition of this people during the time of Moses (AS) and other prophets of the Children of Israel, especially during the era of the Prophet (PBUH) and after the death of the Prophet and their seditious events during the time of Imam Ali (AS), despite the claim of fundamental common beliefs; has attracted the attention of researchers. The main approach in this research is to analyze the verses of the Holy Quran and Hadith to examine the grounds and conditions of sedition in the Jewish people. Deviation from religious and belief foundations, supremacy, materialism, worldliness, evasion of responsibility and justification, lack of insight of the people and rulers of the society, and the abandonment of the Ahl al-Bayt (a.s.) are considered to be the most important grounds and conditions of Jewish sedition. The research method in this article is descriptive-analytical, citing library, interpretive, historical and scientific sources.

Keywords: Jewish People, Lifestyle, Covering Up Rights, Chaos, Blindness

How to Cite: Ali Mohammadi AA, Mehdi Afchangi M, Mousavi SR, Mirani A., Consumption and Consumerism from the Perspective of the Qur'an, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2025;16(61): 60-77.

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

زمینه‌ها و بسترهای فتنه‌گری بنی اسرائیل از منظر قرآن و حدیث

عباسعلی علی محمدی^۱، مهدی افچنگی^۲، سیدرضا موسوی^۲، ارسطو میرانی^۲

چکیده

فتنه‌انگیزی، مخرب‌ترین پدیده اجتماعی در جوامع انسانی است. خواستگاه فضای غبارآلود فتنه؛ باورها، گرایش‌ها و کنش‌های غلط فتنه‌گران و ثمره آن، فساد، تباهی، گمراهی و سقوط است. هدف پژوهش حاضر، تبیین زمینه‌ها و بسترهای فتنه‌گری بنی اسرائیل از منظر قرآن و روایات است. چرایی فتنه‌گری این قوم در زمان موسی (ع) و دیگر انبیای بنی اسرائیل، بویژه در عصر پیامبر (ص) و بعد از رحلت حضرت و رخدادهای فتنه‌انگیز آنان در زمان امام علی (ع)، با وجود ادعای مشترکات بنیادین اعتقادی؛ توجه پژوهشگران را به خود معطوف داشته است. رویکرد اصلی در این پژوهش آن است که با تحلیل آیات قرآن کریم و حدیث، زمینه‌ها و بسترهای فتنه در قوم یهود را مورد بررسی قرار دهد. انحراف از مبانی دینی و اعتقادی، برتری طلبی، مادی-گرایی، دنیادوستی، مسئولیت‌گریزی و توجیه‌گری، بی‌بصیرتی مردم و حاکمان جامعه و مهجوریت اهل بیت (ع)، از مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای فتنه‌گری یهود بشمار می‌رود. روش پژوهش در این نوشتار، توصیفی-تحلیلی، با استناد به منابع کتابخانه‌ای، منابع تفسیری، تاریخی و علمی است.

واژگان کلیدی: قوم یهود، سبک زندگی، حق پوشانی، آشوب، کوردلی

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

مقدمه و بیان مسئله

«فتنه»، یک واژه پربسامد در ادبیات دینی است. این واژه سی بار در قرآن کریم ذکر شده و مشتقات آن نیز شانزده بار در معانی مختلف به کار رفته است. آزمایش و امتحان، بلا و عذاب، آشوب و فریب دادن، گمراهی و شرک و بت‌پرستی، کاربردهای مختلفی از این واژه است که در قرآن و روایات به چشم می‌خورد.

فتنه، مهم‌ترین ابزار حق‌پوشانی و فریب افکار عمومی است. فتنه‌گران با سوءاستفاده از جهل و ناآگاهی مردم، حق را لباس باطل پوشانده و از آن چهره‌ای نازیبا به مردم به نمایش می‌گذارند. آنان با اقدامات تخریبی، زمینه گمراهی و از بین رفتن همبستگی مردم و گاه فروپاشی نظام اجتماعی جوامع را فراهم می‌آورند.

رسوخ فتنه در جامعه، سلب آرامش روحی و روانی افراد و هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی و انسانی را به همراه دارد. در فضای غبارآلود فتنه، حق و باطل درهم آمیخته می‌شود و تشخیص حق برای همگان دشوار می‌گردد.

تلاش برای ایجاد جامعه‌ای آرمانی و بدور از آشوب و هرج و مرج و بسترسازی برای رشد و تعالی انسان‌ها، مورد تأکید اسلام است. آشنائی با فتنه و عوامل آن و بررسی سرگذشت اقوامی که در اثر جاه‌طلبی حاکمان و بی بصیرتی عوام، در دام فتنه‌گران گرفتار آمدند، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. قرآن کریم، با یادکرد فراوان از قوم یهود و فرار و نشیب‌های زندگی آنان، این قوم را بارزترین مصداق فتنه‌گری معرفی نموده است.

قوم یهود، علاوه بر مقابله آشکار با انبیای بنی اسرائیل، به فتنه‌گری با پیامبر اکرم (ص) برخاسته و حکومت نوپای اسلامی را با خطرات جدی مواجه ساختند.

چگونگی ایجاد فتنه، زمینه‌ها و بسترهای آن در میان قوم بنی اسرائیل، اصلی‌ترین پرسشی است که توجه نگارندگان این پژوهش را به خود معطوف داشته و به دنبال پاسخ آن هستند. چرا قومی که مدعی پیروی از دین توحیدی است و مشترکات بسیاری با ادیان الهی دارد؛ با سرپیچی آشکار از دستورات انبیاء الهی، بویژه پیامبر اکرم (ص)، دعوت حضرت را اجابت نکرده و با فتنه‌گری به مقابله با ایشان پرداختند؟ چه علل و عواملی زمینه‌ساز این فتنه‌گری‌ها شده است که علیرغم آگاهی کامل از ویژگی‌های آخرین فرستاده الهی و نویدی که انبیای سلف داده‌اند، باز در صدد توطئه برآمدند؟

در باره فتنه و عوامل آن، تاکنون پژوهش‌های مختلفی از سوی پژوهشگران انجام گرفته است، اما هیچ‌کدام به زمینه‌ها و بسترهای فتنه‌گری بنی اسرائیل اشاره نکرده‌اند و این نکته از نگاه آنان مغفول مانده است. نگارندگان این مقاله قصد دارند با تکیه بر آیات قرآن و روایات، و با استناد به منابع تفسیری، تاریخی و علمی، بسترهائی ایجاد فتنه و علل و عوامل آن را در این قوم، بررسی و تحلیل نمایند.

پیشینه تحقیق

در باره فتنه و مصادیق آن تألیفاتی صورت گرفته و هریک از منظری خاص این موضوع را کاویده‌اند، اما بسترها و زمینه‌های فتنه در قوم بنی اسرائیل، بطور مستقل و جدی مورد توجه قرار نگرفته است. کتاب: «فتنه و فتنه‌گران با نگاهی به نهج البلاغه امام علی (ع)»، توسط مؤسسه قدر ولایت؛ و نیز کتاب «فتنه‌های آخرالزمان»، نوشته حسینی بهارنچی؛ و همچنین «مجموعه داستان‌های فتنه»، توسط علی دشتی، به موضوع فتنه اشاره نموده‌اند، پژوهندگانی همچون: علیرضا طیبی و قدرت‌الله حسینی، ۱۳۹۰ش؛ شهاب‌الدین ذوقفاری و محمدجواد جاوری، ۱۳۹۱ش و سلمان‌پور و دیگران، ۱۳۹۴ هم، طی مقالاتی به بررسی معانی فتنه و ابعاد سیاسی و اجتماعی و راه‌های مقابله با آن پرداخته‌اند.

در باره فتنه‌گری قوم یهود، تألیفات زیادی به طور مستقل به چشم نمی‌خورد و محدود تألیفاتی هم که صورت گرفته، ابعاد تاریخی و سیاسی این قوم را مورد بررسی قرار داده‌اند، که از آن جمله می‌توان از کتاب «یهودیان، فتنه‌گران تاریخ»، پژوهشی تاریخی پیرامون جنگ تمدن و زوال قطعی اسرائیل، توسط ماهر احمد آغا، ۱۳۹۰، ترجمه محمد رضا میرزا جان، نام برد.

پژوهشگرانی دیگری هم در این باره مقالاتی نوشته‌اند. علیرزاده، ۱۳۸۸، با ترور یسم تاریخی خواندن یهود، سران قوم یهود را فتنه‌گرانی می‌دانند که با انحراف از راه حق و دین موسی (ع)، پیامبران الهی را به قتل رسانده و با کینه و دشمنی، مسیحیت را از مسیر اصلی منحرف و نقشه قتل عیسی (ع) را طراحی نمودند. زمانی محجوب، ۱۳۹۳، نیز خردورزی و درایت پیامبر اکرم (ص) را، اصلی‌ترین عامل موفقیت آن حضرت، در خنثی‌سازی نیرنگ‌ها و فتنه‌های یهودیان مدینه برشمرده است.

زمینه‌ها و بسترهای فتنه در قوم یهود، از جمله مسائلی است که تاکنون از نگاه پژوهشگران مغفول مانده است. و همین مساله، این مقاله را از سایر تألیف‌ها و مقاله‌های انجام شده متمایز می‌سازد. نویسندگان این نوشتار کوشیده‌اند با تکیه بر آیات و روایات و منابع معتبر به روشنی آن را تبیین نمایند.

مفهوم شناسی

معنای لغوی فتنه

«فتنه»، در لغت به معنای «گداختن طلا در آتش به منظور جدا کردن خالصی‌ها از ناخالصی‌ها است» (الشرتونی، بی تا، ج ۲: ۹۰۲)؛ (ابوالفتوح الرازی، ۱۳۶۶ش). این واژه در فرهنگ زبان فارسی، به معنای اختلاف میان مردم، ستیزه، خلاف، شگفتی، دیوانگی، امتحان کردن، آزمودن، گمراه کردن، ضلالت، آشوب، محنت و عذاب، به کار رفته است (ر.ک: معین، ۱۳۸۲ش).

فتنه مترادف با «ابتلاء» نیز به کار رفته که از لحاظ لغوی با بَلِي یَبْلِي و بلاء، هم‌ریشه است و در اصل به معنی فرسودگی و کهنگی است. دلیل آن که آزمایش کردن را، بلاء می‌گویند بخاطر این است که، هر چیزی در اثر آزمایش‌های متعدد کهنه و فرسوده می‌شود. به غم و اندوه هم بلاء می‌گویند زیرا جسم و روح انسان را فرسوده و خسته می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ ش: ۶۲).

معنای اصطلاحی فتنه

اصطلاح «فتنه»، در فرهنگ سیاسی اجتماعی اسلام، پدیده سیاسی اجتماعی است که از آمیزش حق و باطل و پنهان نمودن باطل در پوسته حق؛ با هدف اغفال و فریفتن مردم و برای رسیدن به مقاصد شوم، طراحی می‌شود. فتنه‌گران، با پوشانیدن لباس حق بر تن باطل، می‌کوشند، تشخیص حق از باطل را بر مردم مشتبه سازند و مردم را اغفال کرده و آن‌ها را به دنبال خود بکشانند. ناآگاهان به آنان می‌پیوندند و آگاهان نیز به ورطه «بی‌عملی» دچار می‌شوند و در هر دو صورت فتنه‌گران به مقصود خویش دست می‌یابند. (ر.ک: دشتی، ۱۳۸۷ ش: ۱۲۳).

در متون دینی، بیشترین کاربرد این واژه در سه مورد: امتحان و آزمون؛ آمیختگی حق و باطل؛ آشوب و بلوا می‌باشد. البته کاربرد فتنه در قرآن، در تمامی موارد مذکور، بویژه آن‌جا که متضمن معنی آزمایش است، با ذکر مصادیقی از اقوام گذشته مانند: قوم صالح (قمر / ۲۷)، اصحاب سبت (اعراف / ۱۶۳)، قوم بنی اسرائیل و گوساله سامری (طه / ۸۵-۹۰)؛ بقره / ۵۱ و ۵۴ و ۹۲؛ نساء / ۱۵۳؛ اعراف / ۱۵۲-۱۴۸)، داستان قوم طالوت و جالوت، و امتحان‌هایی که برای انبیائی مانند: حضرت یوسف (ع)، ایوب (ع)، ابراهیم (ع) و آمده است؛ تماماً حاوی درس‌های گران‌بهاست.

قرآن با نقل داستان انبیای الهی، به مسلمانان پیام می‌دهد که خود را برای تحمل بلاها و آزمون‌های سخت الهی در راه ایمان و مکتب آماده سازند.

ابعاد فتنه در قرآن

حکمت الهی و بُعد تربیتی

برخی فتنه را به معنی حکمت الهی و عاملی برای آزمایش انسان از سوی خداوند می‌دانند. با این نگاه، فتنه؛ يَكُ سُنْتٍ تَغْيِرُ نَافِذِير، ثابت و استثناء ناپذیر الهی است که قرآن بدان تصریح کرده است: (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (بقره / ۱۵۵).

«و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران (در این حوادث و بلاها را) بشارت بده».

بر پایه آیات و روایات، همه انسان‌ها، به میزان سعه وجودی‌شان، همواره در معرض فتنه، ابتلاء و آزمایش الهی قرار می‌گیرند؛ حتی پیامبران و اولیای الهی نیز، از آن قانون مستثنی نیستند، بلکه آزمونشان سخت‌تر است. زیرا خداوند کسانی را که به او نزدیک‌ترند، سخت‌تر امتحان می‌کند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۷۸: ۱۹۴).

انگیزه اصلی خداوند از ابتلائات مختلف، تربیت انسان است. امام علی (ع) امتحانات الهی را ابزاری برای شکوفائی گوهر وجودی انسان دانسته و می‌فرماید:

«فِي تَقْلِبِ الْأَحْوَالِ عَلِمَ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ وَالْإِيَّامِ تُوضِحُ لَكَ السَّرَائِرَ الْكَامِنَةَ» (همان، ۱۴۰۳، ج ۷۷: ۲۸۶).

قرآن کریم، از حضرت ایوب (ع) (ص / ۴۱) و ابراهیم (ع) (بقره / ۱۲۴)؛ به عنوان سمبل صبر و پایداری یاد کرده که از آزمایش‌های دشوار الهی، سربلند بیرون آمده و به عالی‌ترین مراتب ایمان رسیدند، و از قوم بنی‌اسرائیل به عنوان گروهی یاد کرده که نه تنها در آزمایشات الهی مردود شدند بلکه مورد لعن و نفرین دو تن از انبیای بزرگ الهی نیز قرار گرفتند (مائده / ۷۸).

نزاع و آشوب

بعد دیگر فتنه در باره آشوبگری و بهم ریختن نظم و آرامش عمومی جامعه توسط آشوبگران و قدرت-طلبان، با ایجاد شکاف و دو دستگی و نزاع در بین افراد جامعه برای نیل به اهداف دنیوی است. این نوع از فتنه، در قرآن و روایات، بسیار مذمت شده و بدتر از قتل، شمرده شده است (ر.ک: بقره / ۱۹۱). علی (ع) فتنه را آزمایشی برای بندگان خدا می‌داند و از مؤمنان می‌خواهد از فتنه‌های گمراه کننده به پروردگار متعال پناه ببرند (ر.ک: دشتی، ۱۳۸۷ش: ۴۵۹، حکمت ۹۳). تردید در باورهای عامه مردم؛ اختلاف افکنی بین مردم و مسؤولان؛ تزلزل ایمان؛ گمراهی و عدم تشخیص دوست و دشمن و مواردی از این قبیل، از علائم رسوخ فتنه در جامعه است. (همان: ۲۷، خطبه ۲).

قرآن، قوم یهود را فتنه‌گرانی خوانده که با آمیختن حق و باطل، القای شبهه و آرایش باطل زمینه گمراهی مردم را فراهم می‌سازند (آل عمران / ۷۱).

(يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ) (آل عمران / ۷۱).

بسترهای فتنه‌گری در بنی‌اسرائیل

تفاخر و خود برترینی

خود برترینی، سبب دوری از حق و عامل بسیاری از فتنه‌گری‌هاست. از منظر قرآن، قوم یهود، با خرافروشی؛ پیامبران الهی را تکذیب کرده و زمینه‌ساز ایجاد فتنه و شکاف در جامعه شدند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴: ۶۷۸).

اعتقاد به برتری نژادی، از شاخصه‌های فکری و بارزترین ویژگی روانی یهود و یکی از اصلی‌ترین تعالیم تورات است. تورات، به صراحت بیان می‌کند: «چون شما قومی مقدس هستید که به خدای تان اختصاص یافته‌اید؛ او از بین تمام مردم روی زمین، شما را انتخاب کرده تا برگزیدگان او باشید» (سفر تثنیه، باب ۸ / ۶). یهود، خود را فرزند و محبوب خاص خداوند معرفی می‌کنند:

(وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُمْ... (مائده / ۱۸).

«یهود و نصاری گفتند: «ما، فرزندان خدا و دوستان [خاص] او هستیم». بگو: «پس چرا شما را در برابر گناهانتان مجازات می‌کند؟!».

آن‌ها خود را قوم برگزیده و مورد علاقه خدا می‌خوانند که هرگز در آتش، جاودانه نمی‌مانند» (بقره / ۸۰). آنان پیامبران بزرگ الهی قبل از ظهور موسی (ع) را نیز به خود نسبت می‌دهند (بقره / ۱۴۰)، و می‌گویند: «اگر قوم و گروهی طالب هدایت الهی است باید از مجرای دین یهود به آن دست یابد» (بقره / ۱۳۵). از این رو وقتی دیدند پیامبر اکرم (ص)، از نژاد یهود نیست، حقانیت دین اسلام و رسالت ایشان را کتمان کرده (بقره / ۱۴۶؛ آل عمران / ۷۱) و به ستیزه جویی و فتنه‌گری پرداختند. قرآن کریم، ویژه‌خواهی و خود برتربینی قوم بنی‌اسرائیل را، اصلی‌ترین عامل گمراهی و غفلت و اعراض آنان از حق می‌داند (ر.ک: اعراف / ۱۴۶).

کوردلی و بی بصیرتی

کوردلی، ضد بصیرت و مانعی بزرگ برای دیدن حقائق در جامعه است. فتنه‌گران، با سوءاستفاده از کوردلی عامه مردم، به فتنه‌گری و گمراهی آنان می‌پردازند. قرآن کریم، داستان گوساله سامری و سرپیچی قوم موسی (ع)، از اطاعت هارون (ع)؛ در بنی‌اسرائیل را مصداق روشن کوردلی و بی‌بصیرتی معرفی نموده (ر.ک: طه / ۸۵، ۸۷، ۹۵؛ بقره / ۵۱، ۵۴، ۹۲، ۹۳؛ نساء / ۱۵۳؛ اعراف / ۱۵۳-۱۴۸) و آن را آزمایشی برای این قوم می‌داند.

قوم یهود برای خود فضیلتی خاص قائل بودند و می‌گفتند؛ ما از شاخه‌های شجره یعقوب و پسران خدا و دوستان اوییم، و به هر عمل زشت و معصیتی آلوده باشیم از عذاب الهی مصون هستیم. قرآن کریم در آیه ۷۱ سوره مائده، منشأ این پندار غلط را، نشانه فقدان بصیرت دینی بنی‌اسرائیل می‌داند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۳ ق، ج ۶: ۶۹).

مسئولیت‌گریزی

قرآن کریم از قوم بنی‌اسرائیل، به‌عنوان مصداق روشن قانون‌گریزی و توجیه‌گری یاد کرده است.. برای مثال: وقتی به فرمان خداوند، صید ماهی برای گروهی از بنی‌اسرائیل که در ساحل دریا زندگی می‌کردند، ممنوع شد، با توجیه‌گری و نیرنگ، از پیمان و فرمان خداوند سرپیچی کردند (بقره / ۶۵)، و

به حيله شرعى دست زدند و با ايجاد حوضچه‌هائى در کنار دريا، راه آن را به دريا گشودند تا ماهيان، همراه آب وارد آنها شوند، و هنگام غروب راهشان را محكم مى‌بستند و روز يكشنبه شروع به صيد آنها مى‌کردند و مى‌گفتند: خداوند به ما دستور داده است ماهى صيد نکنيد؛ ما هم صيد نکرده‌ايم، بلکه تنها آنها را در حوضچه‌ها محاصره نموده‌ايم (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲: ۴۲).

مادى گرایی و تجربه گرایی

تفکر مادى گرایی، زمینه‌ساز فتنه است. نفوذ اين اندیشه در يك جامعه دينى، موجبات سرپيچى و انحراف افراد، از رهبران دينى و تعاليم الهى را فراهم مى‌آورد. مادى گرایی، از شاخصه‌هاى بينشى قوم يهود است. آنان با تکیه بر نگاه مادى، از حضرت موسى (ع) درخواست کردند، خدا را آشکارا به آنان نشان دهد (بقره / ۵۵). نگرش محدود آنان به جهان طبيعت سبب شد تا خداوند را نيز هم‌سطح ساير انسان‌ها فرض نموده و فقط در حد محسوسات تجربى متوقف شوند.

فتنه‌انگيزى يهود در حوادث گوناگون صدر اسلام و بعد از آن، معطوف به همين نگاه مادى است. چنان‌که وقتى آيهى قرض الحسنه (بقره / ۴۵؛ مزمل / ۲۰) نازل شد، به مسلمين گفتند: «اين چه خدایى است که برای ترویج و احیای دين خود، قدرت مالی ندارد و ناچار دست حاجت و استقراض به سوى بندگان دراز مى‌کند؟!» (طباطبایى، ۱۳۷۴، ج ۶: ۴۴-۴۶).

اندیشه مادى گرایی يهود سبب شد، تا در تورات تحريف شده فعلی، خصوصيات انسانی برای خداوند ترسيم نمايند. برای اطلاع بیشتر (ر.ک: کتاب دانيال نبی، باب ۷ / ۹؛ سفر خروج، باب ۲۴ / ۱۰؛ کتاب سموئيل اول، باب ۱۵ / ۱۰؛ سفر پیدایش، باب ۶ / ۵).

بنی اسرائیل با نگاه سخیف مادى، در برابر دعوت انبياء مقاومت کرده و به فتنه‌انگيزى و مبارزه با آنان پرداختند. تاريخ صدر اسلام صفحات تاريخى از روياروئى قوم يهود با پيامبر اسلام (ص) را که نمايانگر اين اندیشه است؛ به نمايش مى‌گذارد.

دنیازدگی

آيات قرآن و روايات، دنياخواهى و هدف قرار گرفتن آن را، مردود دانسته و مى‌فرمايد:
(الَّذِينَ يَسْتَحْيُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ) (ابراهيم / ۳).

«آنان که زندگانی دنیا را بر آخرت مقدم و محبوب‌تر دارند و خلق را از راه خدا باز دارند و آن راه راست را (به شک و شبهات) کج کنند، آنان در گمراهی بسیار دورند».

دنیاگرایان با فتنه‌انگيزى، مردم را از مسیر حق منحرف و آنان را به گمراهی مى‌کشانند. (على (ع) دنيا دوستى را عامل اصلی فتنه و سرآغاز فتنه‌ها و بلاها مى‌داند:

« حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَأَصْلُ الْمَخَنِ » (الموسوی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱: ۲۱۲).

امام صادق (ع) منشأ هر فتنه‌ای را دنیاخواهی دانسته و می‌فرماید:

«وَأَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدَوُهَا حُبُّ الدُّنْيَا» (حرّعاملی، ۱۳۸۰: ۹۲).

دنیادوستی و گرایش افراطی به لذت‌های مادی و جمع‌آوری مال و ثروت، سبب انحراف قوم یهود، از دین و آرمان‌های مقدس شده است تا حدی که قرآن کریم آنان را، نماد دنیاطلبی و حتی حریص‌تر از مشرکان می‌داند (بقره / ۹۶). درخواست‌های مکرر بنی‌اسرائیل، از موسی (ع) (بقره / ۶۱)، بیانگر دلبستگی فراوان و گرایش افراطی آنان به دنیا است.

عیسی مسیح (ع)، در مورد شدت دنیاطلبی قوم یهود، هشدار داد و فرمود: «لا تعبدوا زَبَّيْن: اللَّهَ وَ الْمَالَ» «دو خدا را نپرستید: الله و مال را». (ر.ک: طباره، ۱۳۵۳ ش: ۸۷).

دنیاخواهی شدید یهود، سبب انتخاب روش‌های نامشروع برای کسب ثروت شده است. قرآن کریم مسلمانان را از دوستی با یهود و پیروی از آنان برحذر داشته و فرمود:

(وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (مائده / ۵۱؛ بقره / ۱۲۰).

«و هر که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند به حقیقت از آنها خواهد بود؛ همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود».

سرحلقه بسیاری از فتنه‌ها و رویدادهای تلخ و ناگوار تاریخ اسلام و مظلومیت اهل بیت (ع) بویژه واقعه خون‌بار و اسفانگیز عاشورا.... ریشه در دنیادوستی و تعلقات آن داشته است (ر.ک: جهانی‌پور، ۱۳۹۴ ش: ۳۲-۶۰).

نشر خرافات و اکاذیب

انتشار خرافه و اکاذیب، بستر مناسبی برای فتنه‌گری است؛ فتنه‌گران ابتدا با دروغ‌پردازی، فضای عمومی جامعه را متشنج کرده و با انحراف افکار عمومی، با به‌دست گرفتن قدرت، جامعه را از مسیر اصلی منحرف می‌سازند.

قوم یهود، با انتساب نسبت‌های ناروا به پیامبران و با نشر خرافات، زمینه‌ی فتنه‌گری را مهیا نمودند. نسبت شرب خمر به نوح (ع) (ر.ک: سفر پیدایش، باب ۹ / ۲۰-۲۴)؛ پیشنهاد تزویج ساره، همسر ابراهیم (ع) به فرعون توسط ایشان برای فرار از کشته شدن (باب ۲۰ / ۱۱-۱۲)؛ رابطه نامشروع حضرت داوود (ع) با اوربا، همسر یکی از مجاهدان (کتاب دوم شموئیل، باب ۲ / ۱۱-۲۷)، نمونه‌ای از آن است. ویل دورانت، از انتساب نسبت‌های ناروا و بعضاً مستهجن به انبیای الهی در تورات، و از غفلت علمای دین در این امر بشدت انتقاد کرده است (ر.ک: دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱: ۳۹۷).

قرآن کریم، لجاجت و طغیان (مائده / ۶۸)؛ بهانه‌جویی در ذبح گاو (بقره / ۶۷-۷۴)؛ مخالفت با انتخاب طالوت (بقره / ۲۴۶-۲۴۸)؛ مخالفت با درخواست موسی (ع) برای ورود به بیت المقدس و

گردنکشی در برابر فرمان الهی (بقره / ۲۱-۲۴) را، نمونه‌های روشنی از فتنه‌گری‌ها و دشمنی آنان با رسولان الهی برشمرده است.

یهود برای نیل به تمایلات مادی و دنیوی خویش، با فریب یکی از حواریون، نقشه دستگیری، شکنجه و کشتن حضرت عیسی (ع) را فراهم کرده و در حق او خیانت کردند (انجیل متی، باب ۲۶ / ۲۵-۲۰ و باب ۴۹، ۴۷؛ انجیل یوقا، باب ۲۴؛ انجیل یوحنا، باب ۲۰). کاهنان و مقامات روحانی اورشلیم که از فریسیان بودند، مسیح (ع) را در دادگاه عالی یهود، به مرگ محکوم کردند (انجیل متی، ۲۷؛ انجیل مرقس / ۱۵؛ انجیل یوحنا / ۱۸).

قرآن کریم با ذکر مصادیق روشنی از رفتارهای فتنه‌آمیز قوم یهود نسبت به پیامبران الهی، به مسلمانان هشدار می‌دهد تا سرنوشت اقوام گذشته مبتلا نگردند (ر.ک: الأحزاب / ۶۹؛ (الصف / ۵).

هواپرستی

خداوند هواپرستی را عامل گمراهی برشمرده و خطر آفرین بودن آن را به حضرت داود (ع) تذکر داده است (ص / ۲۶). در باره قوم یهود نیز با صراحت بیان نمود: «هر بار پیامبری چیزی برخلاف دلخواه‌شان برایشان آورد، گروهی را تکذیب کردند و گروهی را می‌کشتند» (مائده / ۷۰).

خداوند اصلی‌ترین عامل تکذیب و قتل انبیاء در بنی اسرائیل و دلیل مخالفت آنان با معارف و احکام الهی را هواپرستی می‌داند:

(أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ) (بقره / ۸۷).
«آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری برخلاف هوای نفس شما آرد گردن‌فرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!».

راهبردهای فتنه یهود در برابر پیامبر خاتم (ص)

قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص)

یهود بر اساس تعالیم موسی (ع)، اطلاعات روشنی درباره پیامبر خاتم (ص) در اختیار داشتند و آن حضرت را مانند فرزندان خویش می‌شناختند (بقره / ۱۴۶) (ر.ک: فتحی رضوان و محمد الصبیح، ۱۳۴۱: ۲۹۰). از این رو، تلاش وسیعی را برای جلوگیری از ظهور موعود آغاز کردند. شناسایی و حملات مکرر یهود علیه عبدالمطلب (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۵: ۵۹-۶۰)، تلاش‌های مستمر برای ترور عبدالله (ر.ک: همان: ۹۰-۱۰۱)، فرستادن زن یهودی به سمت عبدالله برای ازدواج با او با هدف انحصار نبوت در این قوم (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۲: ۴)، از جمله اقدامات فتنه‌آمیز آنها بود.

یهود یثرب از ظهور پیامبر خاتم آگاهی داشتند (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۳۰۸)؛ (سمهودی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۱۵۷)، و «قبایل اوس و خزرج را تهدید می‌کردند که ظهور پیامبری از انبیای الهی نزدیک است و به وسیله‌ی آن پیامبر، بر اوس و خزرج چیره خواهند شد (می‌گفتند): ما از او پیروی می‌کنیم و با کمک او، شما را همچون عاد و اِرم می‌کشیم» (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۳ و ۴: ۱۶۲).

نگرانی قوم یهود از ظهور پیامبر خاتم (ص) به حدی بود که یک روز بعد از میلاد پیامبر (ص)، یکی از علمای یهود به دارالندوه آمد و وقتی خبر تولد کودک (پیامبر) به او رسید، گفت: به خدا قسم که پیامبری (نبوت) تا قیامت از بنی‌اسرائیل گرفته شد. این همان کسی است که بنی‌اسرائیل را نابود می‌کند (الکلینی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۲۰۰؛ الطوسی، ۱۴۱۴: ۱۴۵-۱۴۶).

شاید یکی از علل سپردن پیامبر (ص) به حلیمه سعدیه در زمان کودکی نیز، در راستای دور کردن حفظ جان ایشان از خطر فتنه یهود بوده است. (ر.ک: طائب، ۱۳۹۲: ۱۹۲). مراقبت شدید عبدالمطلب از پیامبر (ص) در زمان کودکی را، شاهد دیگری بر جدی بودن خطر فتنه یهود، برای جان آن حضرت می‌توان بشمار آورد. به حدی که وقتی در جلسات دارالندوه شرکت می‌کرد، وی را در کنارش می‌نشاند (ر.ک: طائب، ۱۳۹۲: ۱۶۴).

سفارش عبدالمطلب به هنگام مرگش به ابوطالب، نمونه دیگری است که فرمود: «اگر به من قول ندهی که از این (کودک) حفاظت کنی، راحت جان نخواهم داد. ابوطالب نیز قول داد که با جان و مال از محمد (ص) پاسداری کند.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، ج ۱: ۳۳۸-۳۴۰).

در زمان حیات پیامبر (ص)

احبار یهودی در بین عوام نفوذ زیادی داشتند و رسول خدا (ص) از این موضوع آگاه بود، به همین دلیل با رؤسا و دانشمندان یهودی، مانند عبدالله بن صور و کعب بن اسید، مباحثه کرد و آنان را به دین اسلام دعوت نمود. (بیهقی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷۷). یهودیان به دنبال فتنه‌گری بودند و در مواجهه با مسلمانان اظهار مسلمانی می‌کردند، و وقتی با خود خلوت می‌کردند آن را انکار می‌کردند. گاه ابتدای روز ادعای مسلمانی می‌کردند و در پایان روز کافر می‌شدند (بقره / ۱۴؛ آل عمران / ۷۲).

قرآن کریم قوم یهود را فتنه‌گر نامیده و جنگ‌افروزی و فتنه‌انگیزی را به آنان نسبت داده است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۳: ۳۰۳). برخی آیات قرآن، یهودان را توطئه‌گرانی نامیده که با پنهان کردن عقاید خویش، هر سخنی را بعد از علم به حقیقتش تحریف می‌کنند (ر.ک: مائده / ۴۲). حتی «منافقان برای محو اسلام با یهود هم‌قسم شدند» (پاک‌نژاد، سیدرضا، بی‌تا: ۳۶).

رسول خدا (ص)، با برگزاری جلسات مناظره (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۳۱؛ حسینی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۷۴)، انعقاد پیمان‌نامه با پیروان ادیان الهی بویژه یهود (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۶۶، ج ۱:

۵۰۳)، و موعظه و ارشاد، در هدایت آنان می‌کوشید؛ اما پندپذیر نبودند و به ستیزه‌جویی با آن حضرت برخاسته و با غرور می‌گفتند: تو توان رویارویی با ما را نداری (ر.ک: واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۷۶).

فتنه فرهنگی

فتنه فرهنگی، مهم‌ترین راهبرد یهود برای مبارزه با اسلام بود. برای نمونه؛ ابتدای روز به اسلام ایمان می‌آوردند و در پایان روز از آن برمی‌گشتند، تا از این راه، موجبات بی‌ثباتی روانی تازه مسلمانان را فراهم نمایند (آل عمران / ۷۲). بهانه قراردادن قبله، و تمسخر و تحقیر مسلمانان، از دیگر شگردهای فتنه‌گری یهود، برای به انزوا کشاندن اسلام و مسلمین بود. گاه برای توجیه رد دعوت پیامبر (ص)، فرشته وحی را بهانه قرار داده و می‌گفتند: جبرئیل، ویران‌گر و خون‌ریز است و همیشه دستورات سخت و دشواری مانند؛ دستور جهاد را می‌آورد، به همین دلیل ما به تو ایمان نمی‌آوریم. البته اگر میکائیل بود، ایمان می‌آوردیم! (ر.ک: ابن هشام، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۹۲).

تحقیر پیامبر اکرم (ص)، از دیگر روش‌های فتنه‌گری یهود در برابر دین خاتم (ص) بود. آنان برای نیل به این هدف، شاعرانی چون کعب بن اشرف را که در بدزبانی و سرودن غزل‌های خارج از نزاکت و ادب، شهره بود، اجیر کردند تا بدترین توهین‌های ناروا را به ایشان و یارانش نسبت دهد. (ر.ک: ابن سعد، بی تا، ج ۲: ۲۲).

فتنه نظامی

آشکارترین فتنه یهود در عرصه نظامی نمایان شد. آغاز این فتنه‌گری از سوی یهودیان بنی قینقاع پس از جنگ بدر بود (شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۷۹). بنی قینقاع، یکی از قبائل یهود ساکن در مدینه در زمان پیامبر اسلام (ص) بودند که پیمان خود با پیامبر را شکستند، اما در محاصره نیروهای مسلمان قرار گرفتند و تسلیم و تبعید شدند. آتش فتنه زمانی روشن شد که یهودیان، یکی از زنان مسلمان را در بازارشان به شیوه بسیار زنده‌ای به استهزاء گرفتند و به وی بی‌حرمتی کردند. یکی از مسلمانان نیز به قصد دفاع از وی، مرد یهودی که عامل این فضاخت بود را کشت، یهودیان نیز این مرد مسلمان را کشتند و کار بالا گرفت (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، ج ۱۲: ۶۸۲). پس از آن، یهود بنی نضیر، علیرغم پیمانی که با پیامبر (ص) بسته بودند، بعد از نبرد اُحُد و به هنگام بازگشت سپاهیان اسلام به مدینه، فرصت را غنیمت شمرده و با سوء قصد به جان پیامبر (ص)، آشکارا پیمان خود را شکسته و مستقیم وارد جنگ شدند، اما خداوند رسولش را از نقشه یهود آگاه ساخت و بدین ترتیب توطئه آنان خنثی گردید (ابن هشام، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۴۲). غزوه پیامبر (ص) با پیمان‌شکنان بنی نضیر، دومین جنگ پیامبر (ص) با یهودیان مدینه است که در ربیع الاول سال چهارم هجری اتفاق افتاد (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۳۶۳).

سران بنی نضیر با تطمیع و تحریک قبایل مختلف یهودی و مشرکان و بت پرستان، سپاه ده هزار نفری علیه مسلمانان گرد آوردند اما وقتی به مدینه رسیدند، با خندقی اطراف شهر مواجه شدند و چون نتوانستند از آن عبور کنند، یهودیان بنی قریظه را که در مدینه مستقر بودند، به پیمان شکنی علیه پیامبر (ص) تحریک کردند، شاید از داخل مدینه با مسلمانان درگیر شده و سپاه کفر بتواند از خندق عبور نمایند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱: ۹۶). اما این توطئه نیز شکست خورد (ر.ک: شهیدی، ۱۳۸۳: ۹۲)، یهودیان خیبر نیز با توطئه و کار شکنی، خیال حمله به مدینه را در سر می پروراندند که با اقدام بموقع رسول خدا (ص) ناچار به تسلیم شدند (ر.ک: همان: ۸۸-۸۷).

فتنه سیاسی و اقتصادی

قوم یهود، در ادامه فتنه‌گری‌های خویش علیه مسلمانان، با تحریم اقتصادی، عرصه را بر آنان تنگ کردند؛ به گونه‌ای که وقتی مسلمانان، بعد از مهاجرت به مدینه، با تنگناهای معیشتی فراوانی مواجه شدند و از یهود درخواست کمک کردند (ر.ک: رسولی محلاتی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۷۴)؛ نپذیرفتند و آنان را به تمسخر گرفتند (ر.ک: عبدالفتاح طباره، ۱۳۵۳: ۲۸)، و انصار را نیز منع کرده و گفتند: به مهاجرین کمک نکنید زیرا فقیر خواهید شد؛ حتی قرض‌هایی را که یهودیان از مسلمانان گرفته بودند به آنان برگرداندند (ابن هشام، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲۰۸).

قرآن کریم، پیوسته مسلمانان را از اعتماد به یهود و دوستی با آنان بر حذر داشته (مائده/ ۵۲) و به امت اسلامی هشدار می‌دهد که مراقب فتنه‌ها و نفوذ سیاسی امنیتی یهود باشند، زیرا آنان دوست دارند همواره شما را در رنج و زحمت ببینند (آل عمران/ ۱۱۸).

تفرقه افکنی، توطئه‌چینی، جنگ افروزی، فتنه‌انگیزی، شبهه‌پراکنی و رفتارهای نفاق آمیز را از مهم‌ترین اقدامات سیاسی و فرهنگی قوم یهود در زمان حیات پیامبر اکرم (ص) می‌توان بشمار آورد (مائده/ ۶۴؛ آل عمران/ ۶۱، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۹، ۹۹، ۱۰۱، ۱۱۸؛ بقره/ ۱۰۹).

فتنه‌گری یهود بعد از رحلت پیامبر (ص)

پس از رحلت رسول اکرم (ص) بستر مساعدی برای فعالیت یهودیان فراهم شد. دنیا طلبی، شهرت-طلبی و علاقه به مقام و منصب سبب شد تا پیکر رسول خدا (ص)، دو تا سه روز بر زمین بماند (طبری، ۱۳۵۲ ش، ج ۳، ص ۲۱۳)، و فریادهای دفاع حق طلبانه علی (ع) در مورد خلافت، موجب شد تا انگشت اتهام به سوی نشانۀ رود که به خلافت حریص است (ر.ک: دشتی، ۱۳۸۷: ۲۳۰، خطبه ۱۷۲). گروهی از یهودیان تازه مسلمان هم با استفاده از غفلت زمامداران اسلامی و در انزوا قرار دادن اهل-بیت (ع)، با یک برنامه‌ی راهبردی و سازمان یافته توانستند، در مدت کوتاهی پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، الگوی متناسب با عقاید و رفتارهای خویش را به جامعه عرضه نمایند و با تهاجم

فرهنگی، اکثر مواضع فرهنگی را تصاحب نموده و بیشتر ارکان مشروعیت حاکم را از جایگاه قبلی خویش در عهد رسول الله (ص)، تنزل داده و به سمت آداب و رسوم جاهلیت برگردانند.

یهودیان پس از رحلت پیامبر خاتم(ص)، با فتنه‌گری و نیرنگ و تظاهر به اسلام و نفوذ در لایه‌های مختلف حکومتی، توانستند اوضاع فرهنگی جامعه را به نفع خویش تغییر داده و خرافات خویش را به نام اسلام در جامعه گسترش دهند. اگر چه سعی و تلاش اهل بیت(ع)، مانعی بزرگ بر سر راه آنان بود، اما دور ماندن اکثر مردم از پیشوایان واقعی‌شان، و حمایت بی وقفه حاکمان از یهودیان تازه مسلمان، سبب شد تا قرب و منزلت این قوم نزد حاکمان افزایش یافته و حتی برخی از آنان نیز در مقام مشاور و معتمد برگزیده شوند (ر.ک: ابوریه، ۱۳۷۴: ۱۴۸). یهودیان تازه مسلمان، هنرمندانه، تهمت‌هایی را به پیامبر(ص) نسبت می‌دادند تا اقدامات خلفاء را موجه جلوه دهند (ر.ک: بخاری، ۱۹۹۲م: ۲۴؛ ابن حنبل، ۱۹۸۵م، ج: ۲، ۲۸۳). آنان که در عرصه نظامی توان رویارویی با مسلمانان را نداشتند، لذا با تخریب و تحریف در معارف دینی و شخصیت پیامبر(ص) و برای بازگشت به شوکت قبل از اسلام و جبران شکست‌های پی‌درپی از رسول خدا(ص) و کینه‌ای که نسبت به آن حضرت داشتند، با شایعه‌پراکنی و جعل حدیث علیه ایشان و با بزرگ‌نمایی اهل کتاب، آنان را مکمل رسالت جلوه دادند. (ر.ک: پاک‌نژاد، بی‌تا: ۱۴۷). و با برپائی مجالس وعظ و سخنرانی و تفسیر و رواج پدیده قصه‌گوئی اوضاع فرهنگی جامعه را به نفع خویش تغییر دادند (ر.ک: شبلی، ۱۹۶۰م: ۲۷۲؛ قاسمی، ۱۳۸۰ش: ۳۷).

سیاست اسلام‌ستیزی یهود، با تکیه بر راهبرد تهاجم فرهنگی و انعطاف‌پذیری بیش از حد خلفای ثلاثه و معاویه، که علاقمند به رابطه با یهودیان بودند، به انضمام ضعف بنیه‌ی علمی و خلأ فرهنگی بعد از رحلت پیامبر(ص)، از جمله فتنه‌هایی بود که رهبری و امامت امت را از مسیر اصلی خویش منحرف نمود.

یهودیان در زمان خلافت امام علی(ع) از عربستان به شام رفته و با مشروع جلوه دادن حکومت معاویه، بذر توطئه و اختلاف را در بین امت اسلامی علیه آن حضرت کاشتند و با جعل احادیث کوشیدند، ذهن عمومی مردم را در باره‌ی جانشین پیامبر(ص)، منحرف سازند. آنان با فتنه‌گری کوشیدند مانع رسیدن امام علی(ع) به حکومت شوند. پیامبر(ص) نیز بارها دشمنی یهود با امام علی(ع) را یادآور شده بود. بویژه زمانی که منزلت امام علی(ع) را نسبت به خودش، مثل هارون نسبت به موسی عنوان فرمود، به تفرقه بنی اسرائیل در حضور هارون (و عدم پیروی از او) نیز اشاره نمود و فرمود: «کسانی که کینه‌ی علی(ع) را داشته باشند یهودی می‌میرند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۶۸، ج: ۶: ۲۱۵). کعب‌الاحبار حکومت علی(ع) را بلا و مصیبت می‌دانست و در زمان حکومت امام علی(ع) به قصد فتنه‌گری، به شام گریخت. (ر.ک: سیوطی، ۱۹۹۳م: ۱۳۶).

فتنه یهود آن‌چنان در لایه‌های مختلف جامعه رسوخ کرد که برخی از پژوهندگان با تحلیل وقایع تاریخی احتمال داده‌اند؛ شهادت حضرت زهرا(س) با نقشه‌ی پنهانی یهود صورت گرفته باشد (دشتی، ۱۳۸۱: ۱۲۷-۱۲۸)، و شهادت علی(ع) و مسمومیت امام حسن مجتبی(ع) و شهادت امام حسین(ع) را هم با دست‌های پیدا و ناپیدای یهود، مرتبط دانسته‌اند (ر.ک: همان).

نتیجه‌گیری

فتنه‌گران با چهره‌ای حق‌نما و آراستن باطل و با سوء استفاده از بی‌بصیرتی مردم و با شعارهای دینی و عام‌پسند، آن‌ها را فریب داده و بر جامعه تسلط می‌یابند. قرآن کریم، از قوم یهود به عنوان نماد فتنه‌گری یاد کرده و زمینه‌های گوناگون فتنه‌گری آنان را نیز معرفی نموده است. ذکر این عوامل با کثرت یادکرد از قوم بنی‌اسرائیل (یهود)، در آخرین کتاب آسمانی و فراز و نشیب‌های زندگی این قوم در قرآن کریم، بسیار تأمل‌برانگیز و عبرت‌آموز است. میان تاریخ زندگانی بنی‌اسرائیل با امت اسلام، شباهت‌های بسیاری وجود دارد. وجود این شباهت‌ها، از جمله دلایل فراوانی تکرار داستان بنی‌اسرائیل (یهود) در قرآن نیز بشمار می‌رود. قرآن کریم با بیان عوامل فتنه‌گری قوم یهود و توجه دادن به آن‌ها، با هشدار جدی به مسلمانان، جامعه اسلامی را ایمن ساخته و از گرفتار آمدن به سوء عاقبت یهود، مصون داشته است. بخشی از این فتنه‌گری‌ها به سبک زندگی بنی‌اسرائیل (مادی‌گرایی، برتری نژادی بر دیگران، دنیازدگی، اطاعت کورکورانه از رهبران جاه‌طلب و نسبت‌های ناروا به انبیاء و صف‌آرایی یهود در برابر ظهور پیامبر خاتم(ص) و.... ارتباط دارد، تا امت اسلامی در زمان حیات پیامبر(ص) و پس از آن، از نگون‌بختی و سیه‌روزی یهود پند گیرند و در حفظ میراث گرانبهای دین، کتاب و جامعه خویش از آسیب‌ها و فتنه‌های یهود، کوشا باشند.

منابع

قرآن کریم.

امام علی(ع) بن ابی طالب(ع). ۱۳۸۸ش، فتنه و فتنه‌گران، با نگاهی به نهج البلاغه علی(ع)، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.

ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله. ۱۳۶۸ش، شرح نهج البلاغه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.

ابوالفتوح الرازی، حسین بن علی. ۱۳۶۶، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

ابن اثیر، عزالدین ابی‌الحسن بن علی محمد. ۱۳۸۵ق، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۳۸۲ ش، **کمال الدین و تمام النعمه**، ترجمه منصور پهلوان، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دار الحدیث.
- ابن سعد، محمد. بی تا، **الطبقات الكبرى**، بیروت: دار صادر.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. ۱۳۷۹ ش، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
- ابن هشام، عبدالملک. ۱۳۶۶ ش، **السيرة النبویه**، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسلامیة.
- ابن هشام، عبدالملک. ۱۳۵۵ ق، **السيرة النبویه**، قاهره: مطبعة المصطفی البابي.
- ابوری، محمود. ۱۳۷۴ ق، **اضواء علی السنه المحمديه**، قم: دارالکتب الاسلامی.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، ج ۲، قم: بنیاد بعثت.
- بیهقی، احمد بن حسین. بی تا، **السنن الكبرى**، ج ۲، بیروت: دارالفکر.
- پاک‌نژاد، سیدرضا. بی تا، **یهود و قریش**، یزد: مؤسسه خیریه مهدیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۳۸۰، **جواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة**، چاپ سوم، تهران: دهقان.
- حسینی، سید مرتضی. ۱۳۷۷ ش، **نگرش وحی بر یهود و مسیحیت**، تهران: فرهنگ قرآن.
- حسینی بهارنچی، سید محمد. ۱۳۹۰، **فتنه‌های آخرالزمان**، اصفهان: بینش آزادگان.
- دشتی، علی. ۱۳۹۹، **مجموعه داستان فتنه**، تهران: امیدفردا.
- دشتی، محمد. ۱۳۸۱ ش، **نقش یهود در وقایع تاریخ اسلام**، تهران: موسسه‌ی فرهنگی تحقیقاتی امیر المومنین (ع).
- دشتی، محمد. ۱۳۸۷، **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات امیر المؤمنین (ع).
- دورانت، ویلیام جیمز. ۱۳۷۰ ش، **تاریخ تمدن**، جمعی از مترجمان، تهران: شرکت افست.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۳۶۲، **المفردات فی غریب القرآن**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- رسولی محلاتی، سید هاشم. ۱۳۷۱ ش، **درس‌هایی از تاریخ تحلیلی اسلام**، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- السمهودی، نورالدین علی بن احمد. ۱۴۰۴ ق، **وفاء الفاء باخبار المصطفی**، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- السیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۷ ق، **الاتقان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیوطی، جلال الدین. بی تا، **تاریخ الخلفاء**، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: موسسه کتب الثقافیه.
- السیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۶ ق، **التحבیر فی علم التفسیر**، به کوشش فتحی عبدالقادر، القاهرة: دارالمنار.
- السیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۸ ق، **معتزک الاقرآن فی اعجاز القرآن**، به کوشش احمد شمس الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شبلی، احمد. ۱۹۶۰ م، **مقارنه الادیان**، قاهره: مکتبه النهضه.
- الشرتونی، سعید الخوری. بی تا، **اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد**، ج ۲، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- شهیدی، سیدجعفر. ۱۳۸۳ ش، **تاریخ تحلیلی اسلام**، چاپ ۳۵، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- طائب، مهدی: ۱۳۹۲ ش، **تبار انحراف**. چاپ دهم، قم: ولاء منتظر.
- طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۳۷۴ ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- الطباطبایی السید محمدحسین. ۱۳۹۳، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت: اعلمی.
- طبری، محمدبن جریر. ۱۳۵۲ ش، **تاریخ الرسل والملوک**، ج ۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- الطبری، محمدبن جریر. ۱۴۱۲ ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۱، مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- الطوسی، محمدبن حسن. ۱۴۱۴ ق، **الامالی**، قم: دارالثقافه.
- الطوسی، محمدبن حسن. بی تا، **التبیین فی تفسیر القرآن**، به کوشش احمد حبیب العاملی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمدبن حسن. ۱۳۸۹، **التبیین فی تفسیر القرآن**، ج ۱، قم: آل البیت.
- عبدالفتاح طیاره، عقیف. ۱۳۵۳ ش، **یهود از نظر قرآن**، ترجمه‌ی علی منتظمی، تهران: بعثت.
- فتحی رضوان و محمد الصبیح. ۱۳۴۱ ش، **محمد رسول الله (ص)**، ترجمه و اقتباس محمد علی خلیلی، تهران: گوتنبورگ.
- قاسمی، حمید محمد. ۱۳۸۰ ش، **اسرائیلیات و تأثیر آن بر داستان‌های انبیاء در تفاسیر قرآن**، تهران: سروش.
- الکلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۶۵ ق، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کتاب مقدس. ۱۳۸۳ ش، **عهد قدیم و جدید**، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام کلن و هنری مرتن، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- ماهر احمد آغا. ۱۳۹۰، **یهودیان فتنه‌گران تاریخ**، ترجمه محمد رضا میرزا جان، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری قدر ولایت.
- مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۹ ق، **بحارالانوار**، ج ۷۸، بیروت: الوفا.
- الموسوی، السید رسول. ۱۳۸۴ ش، **الدنیا والآخره فی الکتاب و السنه**، ج ۱، قم المقدسه: دارالحدیث.
- موسوی بجنوردی، کاظم. ۱۳۸۳، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، چاپ اول، ج ۱۲، تهران: مرکز دایره المعارف اسلامی.
- معین، محمد. ۱۳۸۲، **فرهنگ فارسی معین تک جلدی**، تهران: زرین.
- الواقدی، محمدبن عمر. ۱۴۰۹ ق، **المغازی**، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: الاعلمی.

مقالات

- جهانی پور، یاسر. ۱۳۹۴. «شرح دنیاطلبی در کلمات امام خمینی (ره)». فصلنامه حضور. شماره ۹۳. ص ۳۲-۶۰.
- ذوقفاری، شهاب‌الدین و همکار. ۱۳۹۱. «افشای طرح ایجاد فتنه در قرآن کریم». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن. شماره ۱. صص ۲۳-۴۸.

- زمانی محبوب، حبیب. ۱۳۹۳. «راهبردهای پیامبراکرم(ص) در برابر فتنه‌های یهودیان مدینه». نشریه و ماهنامه معرفت. شماره ۱۹۶. صص ۳۹-۵۰.
- سلمان پور، محمدجواد و دیگران. ۱۳۹۴ ش. «شگردهای فتنه‌گران از منظر قرآن و روایات». حسنا. سال هفتم. شماره ۲۴. صص ۱۱۳-۱۴۰.
- طیبی، علیرضا و همکار. ۱۳۹۰ ش. «شیوه فرهنگی تقابل و مبارزه مسلمانان با فتنه‌گران از منظر نهج البلاغه». معرفت. سال بیستم. شماره ۱۶۷. صص ۴۷-۶۰.
- علیزاده، سیده‌ادی. ۱۳۸۸ ش. «عملیات یهود برای مقابله با پیامبر(ص)». دو فصلنامه علمی انسان پژوهی دینی مجتمع عالی شهید محلاتی. دوره ۶. شماره ۱۹. صص ۳-۲۵.

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: علی محمدی عباسعلی، افچنگی مهدی، موسوی سیدرضا، میرانی ارسطو، زمینه‌ها و بسترهای فتنه‌گری بنی اسرائیل از منظر قرآن و حدیث، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۶، شماره ۶۱، بهار ۱۴۰۴، صفحات ۶۰-۷۷.